

پاران ماسر

(۲)

عمار یاسر

عمار یاسر از آنجا که همچون ابازر و سایر شیعیان صحابی تربیت یافته مکتب علی (ع) بوده در راه گسترش اخلاق نیک در روح اجتماع کوشش داشت ، و برای دفاع از حقوق مسلمین صریحاً اقدام میکرد ، و از مبارزه باستمگران هیچ باك نداشت هنگامی که ابازر بر بنده تبعید میشد دستور داده شده بود که کسی وی را بدرقه نکند عمار بمشایعت او رفت و در حال وداع با او چنین گفت : خداوند آنان که تورا بتنهائی افکنند نبی همدم گذارد ، و به آنان که تورا ترسانند امانی نبخشد ، به پروردگارشو کند اگر توهم بدنمای آنان توجه میکردی پناهت میدادند و اگر کردارشان را میپسندیدی دوست داشتند (۱)

اهمیت عمار و امثال عمار آن بود که با اینکه شخصیت آنان از نظر اسلام مسلم و محرز بود ، و در فضائلشان آیات و احادیث بسیاری رسیده بود ، و اجتماع اسلامی چشم بزرگداشتی بسوی آنان داشت ، ولی این مردان بزرگ تنها بهمین اکتفا نمیگردند که در جامعه شخصیتی داشته باشند بلکه با وجود کهولت سن و افتادگی باز دلیرانه خود را در معرض آنها میافکنند ، و اهمیت انجام وظائف اسلامی را با کردار خویش نشان میدادند و با فروغ معنویت و نشاط دینی باعزمی آهنین خود را در مسیر حوادث و پهنه مبارزات قرار میدادند و بادید نافذ خود با عمق اجتماع نظر میدوختند و کژیها و بیراهه رویها را مورد تامل قرار داده در صدد چاره اندیشی برمیآمدند ، و پیوسته با یادآوری دستور حیاتبخش اسلام برای ترقی دادن سطح افکار مسلمین قیام میکردید .

عمار از بانیان کاخ رفیع اسلام بود و از مجاهدینی بود که پیش روی پیامبر در

راه خدا جهاد میکرد و تمام مشاهد پیغمبر را حاضر شد و با پیغمبر در مکه و مدینه ملازم بود و از جمله حواریینی (اصحاب خاص) بود که پیغمبر (ص) آنان را اختیار کرد و از برگزیدگانی بود که در بیعت رضوان با رسول الله (ص) بیعت کرد که آیه **رضی الله عنهم و رضوا عنه** در شان او و امثال او نازل گشت هنگامی که پیغمبر به مدینه آمد و بساختن مسجد فرمان داد هر يك از مسلمانان **تك تك سنك** و آجر می آوردند ولی عمار دو تادو تا آجر و سنك حمل میکرد پیامبر فرمود چرا از دیگران بیشتر کار میکنی گفت یا رسول الله میخواهم بیشتر اجر بهرم آنگاه نبی اکرم بادست مبارك خود گردو غبار را از سر و صورت عمار میسترد و میفرمود **و يحك يا عمار تقنتك الفئة الباغية تدعوهم الى الجنة و يدعونك الى النار** اسف بر توای عمار تو را گروه سرکشی خواهند کشت که تو آنان را بهشت میخوانی و آنان تو را بدوزخ - عمار هنگام ساختن مسجد این رجز را میخواند که در ضمن به بعضی منافقین تعریض داشت

لايستوى من يعمر المساجداً يظل منهاراً كعماً وساجداً

ومن تراه عانداً معانداً عن الغبار لا يزال حاصداً

کسانی که مساجد را میسازند تا بیوسته در آنها بر کوع و سجود پردازند با اشخاص معاندی که خود را دایم از غبار و گرد کنار میکشند یکسان نیستند (۱) عمار در میان اصحاب رسول الله (ص) از بزرگان و دانشمندان عالیقدر بشمار بود و حق اینست که از نظر دانش و معرفت صحابه در يك سطح نبودند بلکه در این موضوع اختلاف روشنی داشتند که هر کس در آرائشان تحقیق کند فوراً میباید و علت این امر دو چیز است. ۱ اختلافشان در صفات خداداد و موهبتهای شخصی ۲ تفاوتشان در مقدار اتصال و نزدیک بودن بر رسول الله و ما وقتی امیر المؤمنین را استثناء کردیم دیگر تصفیه این حساب نسبت بسایر اصحاب آسان نیست زیرا گروهی از صحابه تاریخ زندگیشان را بسیاری احادیث دروغ و متناقض در میان گرفته که عامل سیاسی در بوجود آوردن و پراکندن اینها اثری بسزا داشته به علاوه سایر عوامل لذا می بینید این سلسله احادیث هنگامی که برابرجرح و تعدیل فنی قرار میگيرد بزودی شکست میخورد و نادارستی آنها در نخستین محک برای افکار پدیدار میشود (۲) ولی عمار بحق از شخصیتهای برجسته و ممتاز بشمار میرفت و در حقیقت سزاوار است که بگوئیم عمار از دانشمندان و زهاد بزرگ بود و از نظر فضل

۱- حلیف مخزوم ص ۶۶

۲- عمار یا سراج استاد سبیتی ص ۲۴ ۰۰۰ ۵ مجلد ۵ الغدیر در سلسله الوضاعین

والموضوعات مراجعه شود

واستنباط و دانش از عظیمترین شخصیت‌های اصحاب بود بدو گفتند چطور شد (خواب) بسبب آیه (من اکره و قلبه مطمئن بالايمان ...) نجات یافت و بدر و مادر تو (ياسر و سیمیه) تسلیم عذاب شدند تا باشکونجه کشته گشتند گفت این حکم خداوندی است که ابراهیم خلیل را از آتش نمرود رها نید و یحیی و زکریا را بوسیله قتل امتحان کرد ، این سخنی را که رسول اکرم شنید گفت : ای عمار تواز دانشمندان بزرگ دینی میباشی عمار گفت از پایگاه عالی علم و معرفت همین بس که بدانم تو فرستاده‌ی خدائی و برادرت علی وصی و جانشین تو است و بهترین کسی است که پس از خویش میگذاری ۰۰۰ (۱)

آنگاه پیامبر فرمود : ای عمار بوسیله تو خداوند دین را تأیید میکند و عذر غافلین را از بین میبرد و عناد دشمنان را آشکار میسازد در هنگامی که گروه سرکش تورا در صفین بکشند و آخرین آشامیدنی تو از جهان ظرفی از شیراست ۰۰۰ ای عمار تو باین فضیلت و مقام رسیده‌ای پس دانش خود را افزایش ده تا فضیلتت فزون گردد چه بنده هرگاه در راه آموزش دانش بیرون رود پروردگار جلیل ندایش کند که مرحبا بتوای بنده‌ام میدانی بطلب چه مقام و بقصد چه منزلتی آمده‌ئی تو میخواهی با فرشتگان مقرب همانند شوی و به آنان نزدیک گردی من همانا تورا بمقصود و مطلب و بت خواهم رسانید .

عمار این راد مرد مجاهد روزی بدشت محمد (ص) دست بیعت میدهد و پیوسته در راه اعتلای مرام وی میکوشد ، سپس در دورانی تاریک بایبانی روشن از حقائق جاوید قرآن افکار جمعیت‌های اسلامی را روشن میسازد و پس از رسیدن حق بجایگاه اصلی خویش باجان خود علی (ع) را یاری میکند و در استقرار حکومت عادل علی (ع) از هر گونه فداکاری شانه تپمی نمیکند مردانی که مانند عمار به حقیقت دین و مقررات آن رسیده‌اند و مقصود اساسی تعلیمات دین و حکومت حقه الهی را فهمیده‌اند در میدان جنگ هم از تذکر بموضوع و تکیه کردن روی این حقیقت دست برنمی‌دارند عمار در صفین نه تنها مانند سلحشوری رزمنده می‌جنگید بلکه چون خطیبی دانشمند و پرشور مردم فریب‌خورده را از فریبکاری معاویه آگاه میساخت و عمر و عاص این حیلہ گر بر مکر خواست باچرب زبانی عمار را فریید گفت : ای عمار چرا با ما می‌جنگید مگر نه این است که خدای ما پیامبر ما ، کتاب ما قبله ما ، یکی است عمار در برابر عمر و عاص

۱- منظور این است که وقتی انسان بارشاد خرد دانست که نبی واسطه جهان طبیعت است با ما و رای طبیعت و امام هم راز دارد ستگاه آفرینش است میتواند تمام حقائق آفرینش و اسرار کائنات را از آموزندگان الهی فرا بگیرد .

گفت: سپاس ویژه آفریدگاریست که شهادت بحق را از دهان تو بیرون آورد آری همانا قبله دین پرستش خدای رحمان، پیامبر و کتاب، از آن من و یاران من است، نه تو و یارانت خدایر اسپاس که تو را بر این اقرار و اداشت و توادد اثر معصیت و حیلہ گری ضال و مضل قرار داد که نپیغمبی راه یابنده‌ای یادر گمراهی هستی من اکنون میگویم که با تو و یاران بر سر چه جنک میکنم، مرا رسول گرامی امر کرد که بانا کثین (اصحاب جمل) جنک کنم، کردم، فرمود با قاسطین (اصحاب معاویه) جنک کنم و شما همانید ولی مارقین (نهر و انیان) را نمیدانم به بینم یا نه؟ ای ابتر! تو خود نمیدانی که پیامبر در مورد علی (ع) گفت: **من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه** من دوست و پیرو خدا و رسول و علی هستم ولی تو را رهبر و مولائی نیست، عمر و عاص گفت: ای ابوالیقظان (کنیه عمار) چرا بمن ناسزا میگوئی من که بتو بد نمیگویم، عمار گفت: (۱) چگونه میخواهی بمن بد بگوئی آیا میتوانی بد بگوئی من بگروز خدا و رسول را معصیت کرده‌ام؟

عمار این صحابی بزرگوار و یار و وفادار علی (ع) در میدان جنک دلاورانه نبرد میکرد تا سر انجام چنانکه رسول اکرم فرموده بود بدست ستمگران سرکشی کشته شد در میان بال و پر فرشتگان رحمت قرار گرفت و جان خویش را از تن خاکی برآورده‌های ابدیت کشاند

درود ما بتو ای عمار یاسر! ای رادمردی که پس از پذیرفتن اسلام فصلی از تاریخ شورانگیزی را بخود اختصاص دادی که پیوسته این آسمان نیلگون و زمین گردون با گردش سرسام آور خود عظمت‌های آن را فراموش نمیکند

۱- عمار بن یاسر استاد سبیتی ص ۱۷۴ علامه امینی در سراسر القدير که بمناسباتی از ابطال تاریخ شیعہ نام میبرد شخصیت عظیم اسلامی عمار یاسر بزرگوار را بخوبی نشان میدهند به القدير مراجعه شود

قال رسول الله (ص)

حسن الخلق و صلة الارحام و بر القرابة تزيد في الاعمار و تعمر
الديار و لو كان القوم فجارا

خوشخوئی و صلة ارحام و نیکی بنزدیکان عمرها را زیاده میکند و
خانه ها را آباد میسازد، اگرچه ملتی فاجر باشند.